



## معرفی و بررسی کتاب

ناصر شهی



تازه گی ها کتاب دوست فرزانه، داکتر مجیب الرحمان کویر، عضو کادر علمی فرهنگستان علوم پزشکی کابل، به دستم رسید که از خواندن آن بهره های فراوان بردم. کتاب "وقعات عاجل یورو لوژی" چنان که از نامش بر می آید، اثریست در برگیرنده ی مسائل یورو لوژی که به خامه ی توانای این داکتر جوان و پرکار نگاشته شده و در تابستان سال 1385 خورشیدی، در دو فصل و یک صد و بیست و سه صفحه در کابل به چاپ رسیده است. این اثر را می توان یک گام ارزنده در مسائل پزشکی افغانستان دانست، زیرا نخستین باریست که کسی در کشور ما به واقعات عاجل یورولوژی پرداخته است. این مساله با توجه به واقعات پی-درپی یورولوژی و نیازهای روزافزون پزشکان ما به این علم از اهمیت ویژه ی برخوردار است.



بی گمان، پزشک شدن به معنی پزشک خوب بودن نیست و این آفرینش است که او را ویژه گی می بخشد. داکتر کویر پس از چند سال تلاش و پیگیری اینک نخستین کارش را به جامعه ی علمی افغانستان ارایه کرده است، جامعه ای که در چند سال گذشته نتوانسته است پنج اثر علمی را بیافریند. این مساله برای من زیاد حیرت آور نیست و نباید هم باشد، زیرا در سرزمین که فقر خوراک، انیسه و فرهنگ، فرادست تراز هر پدیده ی عمل می کند، انتظار بالای هم نباید داشت و یا هم فغان و ناله ای سر داد. باری، به آنچه که داریم اگر انگشت شمار هم باشند، شادمان باید شد و آفرینش گران علم را در این قحط سالی ای دانش و اندیشه باید ستود.

ورود واقعات عاجل یورولوژی به جامعه ی دانشگاهی ما را، می باید رویدادی فرخنده و با اهمیت در زمینه ی نشر آثار علمی در افغانستان دانست. با دریغ و درد فراوان باید گفت که آفرینش آثار علمی در کشور ما از شمار انگشتان دست هم فراتر نمی رود، و این در حالیکه ما نسبت به هر زمان دیگر، نیاز های روز افزون مان را به دانش های مدرن می بینیم و احساس می کنیم. در دانشگاه های پزشکی افغانستان به جز از چند نمونه ی انگشت شمار، و آنهم از منابع پیشین، به کمتر کتابی بر می خوریم که در آنها بتوانیم نشان از تجربه ها و دانش های مدرن امروز را پیدا کنیم.

آنچه بر اهمیت این اثر می افزاید و شاید بیشترین اهمیت آن، چشم دید ها، تجربه های شخصی و نمونه های اند که داکتر کویر خود در جریان کار های علمی و تجربی در بخش یورولوژی فرهنگستان علوم پزشکی کابل ( بیمارستان چهارصد بستر) به آنها برخورده است. این کار در نوع خود برای پزشکان ما، رویدادی ارزشمند و فرخنده ای ست. مسائل پزشکی و در کل نمونه های بیماری ما در افغانستان، تا اکنون بیشتر از منابع و پتالوژی (درد شناسی) های کشور های دیگر بوده و ما در گذشته هیچگاهی نتوانسته ایم نمونه های از پتالوژی و منابع پزشکی خود افغانستان داشته باشیم.

فصل نخست این کتاب در برگیرنده ی بیماری های تروماتیک مربوط به دستگاه ادراری و تناسلی ست، که داکتر کویر به شیوه ی سیستمانه به آنها پرداخته است. در این فصل، او افزون بر تجربه ای خودش از پژوهش های دانشکده ی جراحان امریکا و منابع معتبر علم یورولوژی نیز بهره برده است. فصل دوم کتاب، واقعات عاجل غیر تروماتیک دستگاه ادراری و تنلسلی را بررسی می کند. در کل میتوان گفت که مسائل یورولوژی در



این کتاب به شکل جامع بررسی شده است و شاید که این اثر در آینده بتواند یکی از منابع باارزش در پژوهش های یورولوژی افغانستان شود.

افزون بر ارزش های یاد شده، این کتاب کاستی های را نیز در خود دارد که نمیتوان به ساده گی از آنها چشم پوشید. یکی از کاستی های مهم در این کتاب، کاربرد بیش از حد واژگان عربی است که در بسا موارد، فهم یک متن علمی را برای خواننده ی پارسی زبان ویا پارسی دان دشوار ساخته است. برداختن به چند-و چون این مساله نیاز به یک بررسی همه جانبه دارد که در مجالی دیگری باید. من در این نوشته گوشه ای از دیدگاه های خودم را با دوستان در میان می گذارم.

کاربرد بیش از اندازه ی واژگان عربی در متون درسی دانشگاه پزشکی کابل، از دید من پیشینه ای تاریخی دارد. برای دقیق دانستن و ریشه یابی این کار، ناگزیر یک نگاه تاریخی به این مساله بیاندازیم. این نهاد علمی که اکنون دانشگاه پزشکی کابل نام دارد، هفتاد و شش سال پیش از امروز به کمک و همکاری کشورهای ترکیه و فرانسه در کابل ایجاد شد. منابع درسی و برنامه های آموزشی این دانشگاه، در آغاز به همکاری کشورهای یاد شده به پیش برده میشد. ترک ها دست کم چهارده سال با این نهاد پیگیرانه همکاری داشتند که پس از آن این همکاری ها ادامه نیافت و اما فرانسوی ها همکاری های شان را همچنان ادامه دادند.

در یا Curriculum برنانه های آموزشی این نهاد، سهم کشور ترکیه زیاد چشمگیر به نظر می رسد. بیشترین واژه های کار گرفته شده در زبان و متون درسی این دانشگاه، واژه های اند که در ترکیه ی عثمانی آن زمان ساخته شده اند. شهر استانبول در ترکیه ی عثمانی با توجه به نزدیکی آن با یونان از مرکز های عمده ی پژوهش های علمی و فرهنگی آن زمان بود. در نتیجه بیشترین واژه های ساخته شده در زمینه ی مسائل علمی آن روز، از ترکیه ی عثمانی به کشورهای همجوار آن مانند ایران و افغانستان، وارد شده و رواج بیشتری پیدا کردند. این روش از نگره ی من، پاسخ گویی مسائل و نیازمندی های زبانی آن روز جامعه بود. ما امروز در زمان دیگری زنده گی می کنیم و نیازمندی ها و مسائل زبانی دیگری داریم و این کار، زبان ما را و می دارد تا خودش را بر اساس نیازمندی زمان کنونی سازگار کند. زبان و متون درسی این دانشگاه در زمان کنونی نیروی رسانش و نقش تحلیلی و مفهومی خودش را از دست داده است. به چند نمونه نگاه کنید:



عظمِ قص، عظمِ عانه، اثنا عشر، کسرِ قضیب، تمزق، مصدومین، طرقِ فمی، او عیه، تنقیصِ ازیما، عظامِ حوصله، تثقب ...

در کتاب "واقعاتِ عاجلِ یورولوژی" ده ها و صد ها نمونه ای از این دست وجود دارد که هیچ مفهومی را برای خواننده ای آن نمی رساند و خواننده ناگزیر است تا این نام ها را طوطی وار از بر کند. پزشکان و دانشجویان ما در واقع با دو زبان سرو کار دارند، یکی زبانِ رایج در متون درسی که باید آنرا از برکنند و دیگری زبانِ که به آن می اندیشند و ناگزیر اند معنای اصلی این واژه ها را با زبان پارسی بدانند. این کار سبب شده است تا بخشی بزرگی از نیرویی ذهنی آنها به از بر کردن ها مصرف شود. با این زبان دانشجو نمی تواند متن های علمی و پژوهشی را خوب بیاموزد زیرا این نام ها هیچ گونه مفهومی را در ذهن او شکل نمی دهد.

اگر به نمونه های بالا درست دقیق شوید، در خواهید یافت که آن نام ها نه عربی و نه پارسی، بل نیمه عربی و نیمه پارسی اند. اگر شما از هر عرب زبان و یا پارسی زبان در مورد این نام ها پرسید، از معنای آنها چیزی نخواهند فهمید. اگر ژرف تر بیندیشیم، در خواهیم یافت که در صدِ واژه های عربی تبار در نظام آموزشی ما به نود یا بیشتر از آن خواهد رسید.

اکنون پرسشی عمده ای که در برابر ما وجود دارد این است که آیا دانش و اندوخته های مدرن امروز را میتوان با یک چنین زبانی فرا گرفت؟ آیا زمان آن نیست که این زبان از نو و با توجه به نیازمندی های امروز مان بازنگری شود؟

باری، برای دانستن دانش های مدرن، ناگزیر زبانِ مدرن باید داشت در غیر آن کار ما به طوطی پروری می انجامد.

دانشمند فرهیخته و دوستِ فرزانه ام، آقای داریوش آشوری در این مورد سخن بایسته ای دارد که آنرا همچون گفتاور در این جا می آورم.

او می گوید:



"در نظام آموزشِ طوطی‌پرورِ ما-- که تنها کارِ آن انباشتنِ ذهن‌ها از مشتِ «محفوظات» است-- هرگز چیزی به نام «اندیشیدن» و روش‌هایِ آن-- که بنیادِ آموزشِ مدرن است-- طرح نشده است. بنا بر این، خود باید آستین بالا بزنیم و آنچه را که هرگز به ما نیاموخته اند، بیاموزیم."

من یکسره خواهانِ کنار گذاشتنِ این زبانِ نیستم و برعکس چنین می‌اندیشم که از زبان موجود در متون درسی این دانشگاه، میتوان به عنوان یک دستمایه‌ی زبانی برای بهتر شدن و ساده شدن زبان کار گرفت و این را نیز می‌دانم که هر رشته‌ای علمی، ترمنالوژی ویژه‌ی خودش را دارد.

من به هیچ وجه خواهان برگرداندن ترم‌های علمی به پارسی نیستم، زیرا این کار نه در توانِ من است و در مواردی بی‌شماری امکان‌ناپذیر هم است. زبانِ علم را برای مردمانِ کوچه و بازار نساخته‌اند، زبانِ علم را برای دانشوران و پژوهنده‌گانِ آن ساخته‌اند. آنچه من می‌گویم این است که به جایی کاربرد واژگانِ که هیچ‌گونه مصداقِ معنایی و کاربردی در زبانِ ما ندارند، میتوان از واژگانِ ساده و زیبایی که در زبانِ گفتارِ روزمره‌ی مان وجود دارند کار گرفت. برای دانستنِ بهترِ یک متن به ویژه علمی آن نیاز است تا زبانی را به کار ببریم که ساده و روشن باشد. از دیدِ من در زبانِ امروزی ما، بیشترین نام‌های اندام‌های بدن، بیماری‌ها و در مواردی دارو‌ها نیز وجود دارند که میتوان آنها را به آسانی به کار گیریم.

خوشبختانه زبان پارسی امروز، افزون بر اینکه زبانِ شعر و ادبیات است، بخشی بزرگی از نیازمندی‌های ما را در زمینه‌های گوناگون علمی نیز پاسخ داده است. چاپِ روزافزونِ فرهنگ‌ها در رشته‌های گوناگون علمی، ترجمه‌ها و پژوهش‌های بی‌شمارِ علمی ما را امیدوارتر ساخته است. سهم دستان و هم‌زبانانِ ایرانی ما در این کار بزرگ فرهنگی زیاد چشمگیر است و سهم ما با این همه ادعا و سرو صداها همان نسبتِ قطره در مقابل دریا هم نیست.

من به عنوان مقایسه چند نمونه از واژگانِ کار گرفته شده در کتاب "واقعات عاجل یورولوژی" را در اینجا می‌آورم و در مقابل پیشنهادهای پارسی آنرا نیز می‌نویسم و از دوستانِ پزشک و خواننده‌گان این نوشته می‌خواهم داوری‌ها و دیدگاه‌های شان را در این باب بنویسند.



## نقد و جامعه



عربی	پارسی
تمزق	پاره شدن، پاره گی
مصدومین	آسیب دیده گان
حالب	میزنای ، مجرای فیبری - عضلانی که ادرار از گرده از درون آن گزشته و به آبگاہ میرسد.
احلیل	میزراه، پیش آب راه، مجرایی که از میان آن ادرار از آب گاہ به خارج ار بدن پرتاب می گردد .
کلیه	گرده
از طرق فمی	از راه دهن
اوعیه	رگ
تثقب	سوراخ شدن
تداوی	درمان
تور	مآماس؛ آماسیدن
تقبض	فروگرفتگی
امعا	روده ها، اندرونه
انسداد	بند شدن، فروبستگی
انساج	بافت ها
ادویه	دارو
تنقیص اذیما	ورم کاهی؛ آماس کاهی
وفات مریض	مرگ بیمار
وخامت مریض	بدتر شدن، رو به تباهی رفتن، خراب شدن بیمار.
احتباس ادرار	حبس ادرار؛ ادرار بستگی



## نقد و جامعه



درزها، بخیه ها	خیاطه ها
آسیب های جُمجُمه ای	ترضیضات قحفی
ناحیه شکسته	ناحیه مکسوره
ترکیده گی با شکسته گی آلت مردانه. در فارسی برای آلت تناسلی مردانه نره و نره گی را هم داریم.	ترضیضات قضیب
شکم	بطن
آسیب ها، زیان ها، گزند ها	جروحات
زخم	جرعه
استخوان های لگن خاصره، استخوان های لگنی.	عظام حوصله
استخوان شرمگاه	عظم عانه
استخوان سینه	عظمِ قص
استخوان طوقکِ شانه ( با توجه به شکل آن)	عظمِ ترقوه
استخوان بیلکِ شانه (به توجه به شکل آن)	عظم کتف
دسته بندی، رده بندی	تصنیف
آبگین	رفیق
ستون مهره ها	ستون فقرات
پیوند پوستی یا پوست پیوندی	پیوند جلدی

هر یک از 33 استخوان ستون مهره ای ( یا نخاعی ) در بر گیرنده 7 مهره گردنی (سیرفیکال) 12 مهره پشتی (توراسیک)، 5 مهره کمری (لومبال)، 5 مهره خارجی (سکرال)، و 4 مهره دنبالچه ای (کوکسیکی) میباشند.



در زبان گفتار همه میگویند مهرهء کمرم و یا هم مهره گردنم درد میکند . هیچگاهی نشنیده ایم که کسی گفته باشد فقره ی کمر و یا هم فقره ی گردنم درد میکند.

Penetrating به فارسی رخنه گر، تیز و شکافنده است . نافذه کمترین معنی را می رساند برگردان فارسی فعل

Infectio: برگردان بهتر آن گندیده گی، آلوده گی بدن به میکروب است، معادل انتانات کمترین معنی را می رساند.

Management: برگردان خوب تر آن به جایی اهمات ، تدبیر، چاره اندیشی و یا هم مهارگری ست.

## Trauma ترضیض یا صدمه

واژه تروما معنی های گوناگون دارد. هول - هراس - وحشت. در روان شناسی به آن روان گزیدگی - وحشت زدگی میگویند. در پزشکی، زخم، زخمگینی ، آسیب، ضربه در زبان گفتار معنی آن لطمه روحی، ضایعه روحی است. به پندار من کاربرد آسیب و یا هم ضربه بهتر از صدمه و ترضیض است. در مواردی همین اصطلاح تروما یا تروماتیک آسانتر از برگردان آن است. ["روان گزیدگی" پیشنهاد داریوش آشوری است و در فارسی تاکنون به کار نرفته است. البته برای هر کلمه بر حسب متن کاربرد آن می توان دو یا چند کلمه در زبان دیگر گذاشت. مانند همین مورد.]

Anterior = قدامی. پارسی آن 1. پیشانه، پیشین 2. بیشتر، پیشیند میباشد.

posterior = خلفی . پارسی . پسین، دنبالین ، سپسین ، پس آیند.

Superior = علوی. پارسی زَبرین

Inferior = سفلی . پارسی -پست، پست تر، فرودست، زیرین، فرودین.

Prepuce غلفه = پوست پیشین ، چین پوستی که روی گلانس گرفته است معادل فارسی آن است .

Congenital ولادی = برگردان بهتر مادرزاد یا مادرزادی.

Inspection = تفتیش - برگردان پارسی بازرسی است.





**palpation** جس - فارسی آن بساویدن است، بساوش: معاینه با دست. (احساس با دست ، بکار بردن انگشتان با

فشار کم مصدر بساویدن هم در فارسی به معنای لمس کردن داریم. شاید بشود زنده اش کرد.

کاربردِ پسودن به جایی لمس در متونِ پیشین آمده است، به گمانم ابوریحان البیرونی آن را به کار برده است.

قرع - پارسی آن دق است. دق همان ضربه های کوتاه و تیزی اند که برای تشخیص وضعیت ناحیه زیر ضربان

و شنیدن صدای رسیده به ناحیه ای وارد میشوند. لذا میتوان مانور های دیگری که در تشخیص فیزیکی بیمار

اهمیت دارند را نیز به فارسی برگرداند.

**Auscultation** اضغا - پارسی آن شنیدن است. گوش کردن به صدا های داخلی بدن برای پی بردن به

وضعیت احشای داخل قفسهء سینه و شکم و همچنین تعیین حاملگی نیز از این روش کار میگیرند. این روش

ممکن است با گوش غیر مسلح و یا به کمک گوش پزشکی نیز انجام شود.

بازرسی، لمس، دق و شنیدن چار روش مهم در تشخیص فیزیکی یک بیمار است که در افغانستان به نام های

تفتش، جس، قرع و اضغا معروف اند.

**Duodenum** اثنا عشر. فارسی. دوازدهه، بخش اول روده باریک که از پیلور تا ژژونوم امتداد دارد.

**EPididymis** بربخ - پارسی آن روخاگ است.

**Masturbation** استمنا. فارسی آن خود ارضائی است.

**Laceration** زخم، پاره گی، بریده گی پیشنهاد های خوبی اند که میتوان آنها را به جایی جرعه به کار برد..

**Scrotum** سفن - پارسی آن خاگ پوش است.

1 بهبود، بهبود یابی، تندرستی دوباره. 2 باز یافت، باز ستانی، پس گیری. شاید برگردان بهتری به

Recovery باشد.

برگردان اناستموزس به تفمم شاید به عربی درست باشد، اما هیچ مفهومی را در ذهن یک خوانندهء فارسی

دان تداعی نمیکند. اگر این اصطلاح را به فارسی برگردانیم باز هم نیاز به توضیح بیشتری داریم تا همهء آن

مفهوم ها را برساند. زیرا در این صورت خواهیم گفت:

1- پیوستگی یا پیوند بین عروق بوسیله کانال های هم جوار یا collateral



2- پیوستگی یا پیوند ناشی از جراحی، تروما و یا بیماری بین دو اندام که به طور طبیعی جدا از یکدیگر اند.

هم دهانگی:

برگردان خوبتر و دقیق تر ستریکچر به جای تضیق، تنگی است. تنگی غیر طبیعی یک مجرا یا معبر. گاه درک برخی از واژه ها و ترم های بیگانه در پزشکی به مراتب راحت تر از برگردان آنان به زبان اصلی بوده و نیازی به برگردان شان دیده نمیشوند. از این شماز اند واژه های چون:

,crepitation,haematuria,haemostasis,pneumothorax,sepsis,Dialysis,  
.,priapism,Anastomosis.phimosis

برای برگزیدن معادل ابتدا به این امر توجه کرد که آیا واژه به معادل نیاز دارد یا نه. این امر مستلزم آن است که بدانیم آن کلمه را به فارسی می دانیم یا نمی دانیم. به چند نمونه نگاه کنید:

Hydrothorax: آب جنبی - تراکم نابهنجار در حفره ی جنب.

Epigastrium: بالا شکم - منطقه ی میانی بالای شکم

Hypogastrum: پایین شکم - بخش میانی پایین ترین قسمت شکم.

pleurotomy: جنب شکافی - ایجاد برش در حفره ی جنبی از زاویه ی دیواره ی قفسه ی سینه.

لازم به یادآوریست که پاک شدن زبان از واژه های بیگانه ، امریست غیر منطقی و علمی، زیرا زبان ها در جهان کنونی با همدیگر داد-و ستد فرهنگی دارند، اما این داد-و ستد به پیمانهای نیست که هویت فرهنگی و ساختاری زبان دیگر را از میان بردارد.

من هیچگونه ادعای ندارم که پیشنهاد های بالا ، کامل و دقیق اند، اما آرزومندم دوستان که در این مورد صاحب نظر اند، با پیشنهاد های دقیق و سازنده بتوانند در گشودن و بسط دادن این مسائل سهم گیرند. شاید از مجموع پیشنهاد ها و بررسی های خوب بتوانیم به این مشکل فرهنگی که گریبانگیر ما است راه حل مناسب تر پیدا کنیم. در با هم اندیشی می توان این مسائل را به خوبی و با دقت علمی به سامان رساند.

باری، برای ساختن یک زبان علمی ساده و روشن، ما نیازمند ذهن های پژوهشگر، منطقی و تحلیل گر

هستیم.



پراختن به این مساله با دید احساسی و عاطفی که در مواردی با احساس های قوم گرایانه و شوونیستی اش نیز همراه می شود به دور از منطق و پژوهش علمی ست. مراد اصلی، افزودن به توانایی ذهن در تفسیر راز های هستی و پی بردن به مسائل علمی ست. و سخن در چگونگی افزایش به این توانایی و نحوه ی راه جستن به کمال فکری و دست یابی به جلال ذهنی است.

او کام متفکر بزرگ انگلیسی عقیده دارد که زبان به هر اندازه که ساده، روشن و به دور از ابهام باشد، به همان اندازه به خرد نزدیک تر است. در واقع این زبان مدرن است که ذهنیت مدرن را می آفریند. انتقال مفهوم در زبان های مدرن اهمیت ویژه ای دارد. دوست فرزانه و فرهیخته ام محم. د فلکی می گوید:

" مدرن بودن نگاه ژرف کاوانه ی می طلبد، نگاه که بنیاد های گذشته و اکنون را به پرسش کشد، آن هم پرسشی که همه ی پدیده ها و مقوله ها را، حتی آنهای را که ساده و روشن به نظر می رسند، در بر گیرد." به گمان من یکی از راه های به سامان رسیدن زبان و متون درسی مناسب در کشور ما، به استقلال رسیدن دانشگاه ها و نهاد های علمی و پژوهشی ست. در کشور های پیشرفته پژوهش گران و کارشناسان رشته های گوناگون علمی، آزادی کامل خود را دارند تا آنچه را که نیاز دارند بسازند.

هر چند رشد و بالنده گی یک چنین اندیشه های به بستر های مناسب و ذهن های پژوهنده و مدرن بسته گی دارد و نمیتوان چنین نسخه های را یک باره و بدون اندیشه به سرزمین و بستر فرهنگی وارد کرد که در هزاره ی سوم هنوز هم در زنجیره ای قوم و قبیله و فقر و بیداد به سر می برد. به سامان رسیدن این مسائل با توجه به ساختار فرهنگی - اجتماعی و محدودیت های تاریخی و اقتصادی جامعه ی ما، دشوار به نظر می رسد، اما این گپ به معنی این نیست که ما از این اندیشه ها غافل بمانیم.

اگر بیماری ها و ناهنجاری های نظام آموزشی و درسی ما، از یکسو برآیند فقر و بیداد و نبود برنامه های آموزشی است، از سویی به گمان من ریشه در تعصب و بی خبری ما نیز دارد. برای داشتن یک برنامه ی آموزشی و زبان در خور آن شاید نیاز به اقتصاد بالایی نداشته باشیم. از دید من آنچه در این جا اهمیت فراوان



دارد این است که ما ذهن ها و روان های مان را از زنجیر های قوم و قبیله رها سازیم و با دید و منطق علمی مسائل و نیازمندی های مان را دریابیم.

داشتن یک زبان پویا، ساده و روان و زبان که بتواند متن های علمی و پژوهشی را به شیوه ی درست آن به ما بیاموزاند، از دیر باز یکی از درگیری های اصلی ذهن من بوده است.

از کدام روزنه ها می توان به این مسائل نگریست؟ راه حل ها و پیشنهاد های سازنده کدام ها اند؟ صادقانه باید بگویم که پرداختن به چند- و چون این کار را در حوزه ی صلاحیت خود نمیدانم زیرا من زبانشناس نیستم. اما به عنوان یک پزشک که همواره درگیر این مسائل بوده ام، در حد فهم و آگاهی ام پیشنهاد های دارم که شاید بتواند زمینه ساز و آغازگر یک گفتمان سازنده در این باب شود.

من دست اندر کار نوشتن رساله ای هستم زیر نام "بازنگری زبان و متون درسی در دانشگاه های پزشکی افغانستان" که امیدوارم بتواند تا حدی به پرسش های بالا پاسخ گوید.

در پایان لازم است یک بار دیگر از کارها و تلاش های فکری و خستگی ناپزیر داکتر کویر قدردانی کنم. در کشور فقیری چون افغانستان، تولید یک اثر علمی کار سترگی ست که ارزش آن را هر کس نمی داند. در واقع باید گفت که این اثر آغاز پرواز است در افق های گسترده ی دانش. داکتر کویر با این اثر اش یکی از سنگ بنا های مهم و با ارزشی را در پژوهش های علمی افغانستان گذاشته است. تردیدی نیست که فعالیت های علمی پزشکی به هر گونه که باشد به پیشرفت و به سامان رسیدن سطح حرفه ی پزشکی کمک می نماید. من کار او را می ستایم و پیروزمندی های بیشتری در کارهای پژوهشی در آینده برایش آرزو می کنم.

مرداد ماه 1387

Arnhem/ Holland

## آویزه ها:

در برگردان برخی از واژه ها و ترم ها به فرهنگ های زیر مراجعه کرده ام:

1: فرهنگ علوم انسانی، ویراست دوم، داریوش آشوری



2: تعریف ها و مفهوم فرهنگ ، داریوش آشوری، چاپ سوم زمستان 1386 خورشیدی.

" اگرچه واژه ی " اصطلاح در فارسی، با توجه به پیشینه ی کاربرد آن، برای ترجمه ی ترم (term/terme) در زبان های انگلیسی و فرانسه به کار می رود، ولی برای افزودن بر دقت کاربرد مفهوم ها پیشنهاد داریوش آشوری آن است که اصطلاح را تنها برا (idiom/idiome) به کار برد و ترم را به صورت وام واژه برای اصطلاحات علمی و فلسفی. زیرا اصطلاح به معنای واژه یا عبارت خود جوشی ست که در قلمروی از زبان، چه عامیانه چه دانشورانه، پدید می آید، در حال که ترم به معنای واژه یا عبارت وضع شده و تعریف شده برای یک مفهوم علمی و فلسفی ست.

مفهوم اصطلاح و ترم را که در بالا توزیع شده است ، از کتاب تعریف ها و مفهوم فرهنگ ، داریوش آشوری گرفته ام و گمان می کنم که ما تا هنوز این دو را درست به کار نمی بریم.

The Oxford Medical dictionary, 5th edition.3

Medical Dictionary .Dorland's pocket4

Advanced Learner's Dictionary, 7th edition.5 Oxford

شناسنامه ی کتاب:

نام کتاب: واقعات عاجل یورولوژی

نام نویسنده: مجیب الرحمن کویر

سال و جای چاپ: 1385 خورشیدی، کابل

ناشر: نویسنده